

نظراتی تازه "آینده"

چرا مشروطیت پا نگرفت؟

هفتاد و چند سال پیش مردم سنم دیده، ایران در فبال صدمات متوالی حکومت‌های استبدادی و سلطنت مطلقه سنتی، برقراری اصول مشروطیت را که مأخوذ از نظام‌های آزادیخواهی و سیاسی اروپا بود با امیدهای بسیار و دل‌بستگی تام خواستار شدند. درین نهضت مبارزان سیاسی و روحانیان و نویسندگان و شاعران پیشگامی کردند و بحر عده، زیادی از روشن‌دلان تجار و اصناف و محترقه هم درین طریق قرار داشتند و به این نهضت گرایش و پیوستگی یافتند. آن دسته از عامه هم که مخصوصاً "در شهرها از جنبش‌ون‌دای علمای حق‌طلب و آزادگان بیداری یافته بودند به متابعت پرداختند و همگامی و هماواری سعادت عمومی و پیشرفت مادی و حیات تازه ملی در ایجاد چنان اصول و نظام سیاسی جستجو می‌شد و امیدها به استقرار آن بود. پس عموم مردم ایران (بمعنی نسبی آن) برمان اعطای مشروطیت را که مظفرالدین‌شاه قاجار صادر کرد با شادمانی پذیرا شدند و پس از آن با قبول انتخابات صنفی تشکیل مجلس اول را کعبه، آمال ملی دانستند و حقیقه دان اعتقاد می‌ورزیدند. مجلس اول مخصوصاً "نمونه" آن همه انتظار و امید بود. به این دلیل که چون محمدعلی شاه آن مجلس را درهم کوبید مردم از هر طبقه‌ای به منظور بقای آن ترتیب و نظام سیاسی، انقلاب پیردامنه‌ای کردند و کشته‌ها دادند و صدمات زیاد دیدند تا محمدعلی شاه منهدم‌کننده، مجلس و ناقص قسم به حفظ اصول مشروطیت را ساقط از سلطنت خلع کردند و مجلس دوم تشکیل شد. اما با وجود این مشروطیت به معنای

کامل و مفهوم واقعی خود پا نگرفت و نپائید.

مجلس اول و مجلس دوم با قریب یکسال فاصله‌ای که میان آن دو پیش آمد (و این دوره به استبداد صغیر شهرت دارد) نموداری بود از آنچه مشروطه‌خواهان می‌خواستند. مخصوصاً با وضع و تصویب متمم قانون اساسی نشان دادند که چه می‌خواهند. مردم مجلس اول را از آن خود می‌دانستند، چه نمایندگان مجلس منتخب صنفها بودند و انتخاب‌کنندگان بتمام معنی بر احوال منتخبان خود وقوف داشتند. مردم نسبت به مجلس دوم هم امیدوار شده و تشکیل دو حزب دموکرات و اعتدالی را پذیرفته بودند. اما این دو مجلس هر یک به‌وضع ناگوار از میان رفت؛ مجلس اول با کودتای محمد علیشاهی و مجلس دوم با التیماتوم دولت روس. این حوادث، در دو نوبت امیدگاه ایرانیان را با توقفها و شکستها و نومیدیها و بالاخره فترتها و بروز خودکامگی مواجه کرد. بالاخره جنگ جهانی اول فترتی را در تشکیل مجلس به‌وجود آورد و به‌دنبال آن ناآرامیها، ناامنیها و نابسامانیهای که در گوشه و کنار مملکت چهره نمود حوصله عمومی را بی‌تحمل کرد. نتیجه آن شد که با عقد قرارداد معروف ۱۹۱۹ (در سال ۱۲۹۸) و پس از آن حدود کودتای ۱۲۹۹ و عاقبت تغییر سلطنت در ۱۳۰۴ آن چرخ پرتوان مشروطیت از گردش کند و مختصری که یافته بود بتدریج باز ایستاد.

مجلسهائی که پس از مجلس دوم تشکیل شد هیچ‌یک مطلوب خاطر مشروطه‌طلبان نبود. زیرا به‌علت اینکه دخالت‌های ناموجه دولتی در انتخابات (که بتدریج عادت دستگاه دولتی شد) به‌نفع طبقات و اشخاص خاص مرسوم و باب شد در نتیجه مجلس قوت شخصیت و اعتبار و حیثیت ملی نداشت و روز به‌روز شکستهای تازه بر ارکان آن از جانب قوه مجریه وارد می‌آمد. کار بجائی کشید که آن افق دلپذیری که در خیال مبارزان و روحانیان و روشنفکران و آزادگان نقش بسته بود دستخوش تیرگی و شکستگی شد.

بروز جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ که منجر به اشغال نظامی ایران به‌وسیله قوای سه دولت شد تغییرات صوری زیادی را به‌وجود آورد. همین دگرگونیها امید تجدید نسق مشروطیت را در دل وطنخواهان و شیفتگان آزادی باز آورد. گمان همگان بر آن قرار گرفت که مگر اجرای اصول مشروطیت از سر گرفته می‌شود و آب رفته به جوی باز خواهد آمد. اما مجلسهای پس از سقوط پهلوی اول چنگی سازوار به دل نزد. هماره قدرت قوه مجریه بیش از قوه مقننه بود. حقیقت آن بود که تفکیک قوا و توازن قوایی در بین نبود. مشروطیت نامی داشت ولی قوامی نداشت تغییرات چندباره در قانون اساسی که به نفع شاه می‌شد توازن قوا را بر هم می‌زد.

تا اینکه دولت مصدق از پس مبارزه و نهضتی بیداره کننده، ده سال پس از تهاجم خارجی و شکستگهائی که به مشروطیت وارد شده بود تشکیل شد و تقریباً تمام طبقات و صفوف حامی آن بودند. استقرار حکومت او آخرین شعاع خورشید مشروطه (تقریباً به همان ترتیب مذکور در قانون اساسی) بود که تابیدن گرفت، درین دوره، مبارزه سخت سیاسی با دولت خارجی موجب شد که مردم روبرو جنبش آوردند و افکار سیاسی جوان تجدید حیات کرد. اما پس از بیست و هشت ماه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از در درآمد و دولت مصدق را از میان برداشت. با این ضربه اصول واقعی تفکیک قوا و نظام مشروطیت بتدریج، اما بطور واقعی و کامل، نیست و نابود شد. بی تردید آنچه از مشروطیت ماند بجز نامی نبود. باید گفت شبهی از آن بود و همچون "گول زنگی".

پس سزاوارست دیده و سنجیده شود و از سرتحقیق تاریخی و مطالعه علمی و بدون ادنی هیجانی گفته شود چرا مشروطیت در ایران پا نگرفت؟ چرا در هر برهه‌ای از زمان که خواست جان گیرد سرکوب شد؟ سوآلی است بسیار مهم و اساسی در تاریخ ایران. علت پا نگرفتن مشروطیت را در کدام عنصر و عامل باید جست؟ جوهر سوآل همین است که کدام یک از عوامل زیر خاموش کننده اصلی مشروطیت بود؟

— دخالت سیاسی علنی یا مخفی دولتهای خارجی،
 — بروز و حدوث حوادث و عوارض سیاسی جهان،
 — سنت طولانی وجود حکومتهای استبدادی در ایران،
 — تساهل نداشتن افراد نسبت به تحمل افکار مخالفان،
 — مستعد نبودن روحیه جامعه ایرانی در قبول اصول حکومتی مأخوذ از اروپا،
 — آشنا نبودن و نشدن مردم با مفهوم جدیدی که در مملکت بنام مشروطیت و دموکراسی پیش آمده بود،

— وجود دسته‌ها و گروههای سیاسی کم تجربه و تندپرواز و پرمدها،
 — کم مایگی و کم آگاهی رجال سیاسی و سازشکاری و رنگ‌پذیری آنان،
 — کیفیات مادی و طبقاتی و اقتصادی اجتماعی جامعه، و ... و ...

مجله آینده این موضوع را به نظر آزمائی می‌گذارد. از محققان و نیز علاقه‌مندان درخواست دارد نظر خود را براساس دلیل و برهان برای انتشار مرقوم دارند. البته مقالاتی درج خواهد شد که دور از هر نوع جانب‌داری و رویه روزنامه‌نگارانه و سیاست چینی و طبعاً برکنار از هرگونه هیجان و تعصب و منحصرآ "مبتنی بر دید جامعه‌شناسی یا شناخت تاریخی و توجیه‌های مستدل باشد. البته امیدیه آنست که نویسندگان با ارائه مدارک

جدید و مآخذ محکم و "نقدپسند" خوانندگان را از عقاید و آراء خود مطلع کنند. ارائه اسناد و مدارک تازه یاب می تواند بر تاریکیهای این گوشه از تاریخ حساس ما پرتوهای تازه ای بیفکند...

برای کمک به کار وارد شوندگان درین نظرآزمائی حدولی از سالشمار وقایع اولیه و اساسی مشروطیت و مدت‌های مجالس اول و دوم و سوم به چاپ رسانیده می شود.



اشتراک سال آینده



از مشترکان محترم خواهشمندست وجه اشتراک سال هفتم (۱۳۶۰) را در ماههای بهار پرداخت فرمایند. و برای سهولت یا چک شخصی به حساب شماره ۱۷۹۵ شعبه باغ فردوس بانک ملی ایران مرقوم دارند یا آنکه عین وجه را به هریک شعب بانک ملی به حساب شماره مذکور در فوق بپردازند و اصل قبض دریافتی از بانک یا فتوکپی آن را برای اطلاع دفتر محله ارسال دارند.

مجله طبعا و منحصرآ در سال آینده برای کسانی فرستاده خواهد شد که تا پایان اسفند ۱۳۵۹ وجه اشتراک سال کنونی را مرحمت کرده باشند. امیدست کسانی که وجه اشتراک نفرستاده اند توقع دریافت مجله را در بهار سال ۱۳۶۰ نداشته باشند.

ضمنا از مشترکان گرامی علاقه مند به مجله انتظار دارد که نسبت به معرفی مشترکان علاقه مند جدید ما را یاری فرمایند. بقای مجله منوط به این نوع همکاریها خواهد بود.



برای اطلاع خاص مشترکان مجله



پست رسانی مجله و دفتر پست تجریش

نامهرسانهای دلسوز و زحمتکش در موارد متعدد بر پشت پاکتهای مجله که نشانی اش کامل نیست مرقوم می دارند که نشانی کامل شود. مخصوصا می خواهند که شماره خانه در خیابان و کوچه مشخص باشد. علی هذا از کلیه مشترکان محترم تقاضا مندست که بهنگام تجدید اشتراک حتما نشانی خود را طوری مرقوم دارند که برای نامهرسان آنها مشخص باشد و مخصوصا شماره پلاک را بنویسند و نیز شماره منطقه پستی را.

تمام شماره‌های مجله بسته بندی شده در یک روز و یک وهله به دفتر پست تجریش تحویل می شود و کارمندان گرامی و دلسوز آن دفتر با نهایت علاقه و مهربانی در گرفتن بسته‌های مجله بر ما منت می گذارند و ما سپاسگزاریم. امیدواریم مشترکان محترم تقاضای ما و آنها را اجابت فرمایند.